

Political studies of the new Islamic civilization
Vol. 3/ No. 5/ Spring & Summer 2023

**The process of transition to the desirable future of the Islamic Revolution based
on the thought of the supreme leader of the revolution**

Received: 10/1/2023

Accepted: 14/6/2023

Isa Molavi Vardanjani¹

Dawood Faiz Afra²

(112-136)

Future research of revolutions is one of the most prominent issues for researchers, after why, how, functions and nature of revolutions. This is also true about the Islamic revolution. In the future study of the Islamic revolution, the future horizon and obstacles are analyzed. In this context, using the "retrospective" method and the framework provided by Quist, this article focuses on the issue of examining and analyzing the perspective and horizon of the Islamic Revolution based on the thought of the Supreme Leader of the Revolution. Future research based on different viewpoints also leads to different desired future. Therefore, it is important to study the future of the Islamic revolution based on the thought of leadership. The results of the research show that the ideal future of the Islamic revolution in the leadership's thinking is to achieve the new Islamic civilization after passing through the four stages.

Keywords: desirable future, supreme leader of the revolution, new Islamic civilization, five stages.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. PhD student in Islamic Revolution, University of Islamic Education, Qom, Iran (corresponding author), molavi131@gmail.com.

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University - Quds City Branch, Tehran, Iran, feizafra@chmail.com.



فرایند گذار به آینده مطلوب انقلاب اسلامی با ابتنای بر اندیشه رهبر معظم انقلاب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۴

عیسی مولوی وردنجانی^۱داوود فیض افرا^۲

(۱۱۲-۱۳۶)

چکیده

آینده‌پژوهی انقلاب‌ها برای پژوهشگران از برجسته‌ترین مسائل، پس از چرایی، چگونگی، کارکردها و ماهیت انقلاب‌ها به‌شمار می‌رود. درباره انقلاب اسلامی این مهم نیز صادق است. در آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، افق پیش‌رو و موانع راه واکاوی می‌شود. در این زمینه، این نوشتار با استفاده از روش «پس‌نگری» و چهارچوب ارائه‌شده توسط کوئیست، بر این مسئله اهتمام دارد که چشم‌انداز و افق انقلاب اسلامی با ابتنای بر اندیشه رهبر معظم انقلاب، بررسی و تحلیل شود. آینده‌پژوهی مبتنی بر نظرگاه‌های متفاوت نیز به تغایر آینده مطلوب می‌انجامد. از این‌رو آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه رهبری دارای اهمیت است. نتایج پژوهش گویای آن است آینده مطلوب انقلاب اسلامی در اندیشه رهبری، پس از گذراندن مراحل چهارگانه (انقلاب، نظام، دولت و جامعه اسلامی)، دستیابی به تمدن نوین اسلامی است.

واژگان کلیدی: آینده مطلوب، رهبر معظم انقلاب، تمدن نوین اسلامی، مراحل پنج‌گانه.

۱. دانش‌آموخته دکتری گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)،

.molavi131@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهر قدس، تهران، ایران،

.feizafra@chmail.com

مقدمه

نظریه پردازان جامعه‌شناسی سیاسی، تعریف‌های گوناگونی برای انقلاب ارائه داده‌اند. هانتینگتون انقلاب را دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهاد‌های سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن تعریف کرده است. (Huntington. 1968, p. 264) شهید مطهری انقلاب را طغیان و عصیان مردم علیه وضع موجود، برای ایجاد وضع مطلوب تعریف می‌کند؛ بنابراین، ریشه‌های انقلاب از دو عامل برخوردار است: نخست، نارضایتی و خشم از وضع موجود و دوم، ایجاد وضع مطلوب. (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۳۹) بدین ترتیب، مبتنی بر هر دو نظرگاه غربی و اسلامی، مراد و غایت از انقلاب، ایجاد «وضع مطلوب» است.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران، آغازگر گفتمانی تازه در عرصه فرهنگ و سیاست است که پس از گذشت چندین سده استیلای گفتمان‌های لائیک و سکولار در عرصه حیات سیاسی - اجتماعی بشر، گرایش به معنویت را در عرصه بین‌المللی زنده کرد. براین اساس، گفتمان انقلاب اسلامی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی گفتمان رایج را به نقد کشید و روابطی را که منهای خدا در اندیشه مادی‌گرایی مدرن شکل گرفته بود، با پرسش و نقد بنیادی روبه‌رو ساخت. این امر در تألیفات اندیشمندان غربی نیز به چشم می‌خورد. میشل فوکو هدف انقلابی‌های ایران را تجدید بنای کلی هستی دانسته (فوکو، ۱۹۹۰: ۲۲۱-۲۲۴) و تداوم اسکاچ پل به اختلاف فاحش انقلاب ایران با انقلاب‌های دوران اشاره می‌کند. او بر این باور است انقلاب ایران آشکارا آن قدر مردمی بود و آن قدر روابط اساسی و پایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در ایران تغییر داد که به‌یقین از نمونه‌های انقلاب‌های اجتماعی و تاریخی بزرگ شمرده می‌شود. (See: Skocpol. 1982, p. 256)

رهبر کبیر انقلاب نیز تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران را با اتقان نظر، تحولی بی‌مانند و دارای تمایز ماهوی از همه تحولات همانند در دوره مدرن دانسته است. ایشان وجوه تمایز آن را در سه بخش تفکیک می‌کنند: «شک نباید کرد انقلاب اسلامی از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام».

(موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۴۰۲)

بی‌تردید شناخت آینده‌ای که باید به‌سوی آن حرکت کرد و چهارچوب‌ها و مبانی آن، ترسیم صحیح عوامل و عناصری که تحقق آن را موجب و عواملی که از آن جلوگیری می‌کنند و اقداماتی که باید برای حرکت از وضعیت موجود به آینده مطلوب انجام داد، از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبران انقلاب‌ها پس از تغییر نظام سیاسی پیشین است؛ بنابراین، پرسش از آینده، امری حیاتی و تعیین‌کننده برای مسیر آینده انقلاب اسلامی است و در صورت اهتمام نداشتن به آن، به انحراف و تحریف اهداف انقلاب منجر می‌شود. امام خمینی ضمن تبیین ضرورت آینده‌شناسی انقلاب و نظام اسلامی و حرکت صحیح برای تحقق آینده مطلوب، اهتمام جدی اندیشمندان به این موضوع را تأکید دارند:

من تذکراتی دارم... ما باید آینده را در نظر بگیریم و این‌گونه فکر نکنیم که وضع فعلی مان بگذرد، آینده هرچه باشد، باشد. ما مکلفیم تا علاوه بر اینکه وضع فعلی را حفظ کنیم، نگاهیان آینده نظام و اسلام باشیم. ما باید پایه‌گذار خوب آینده باشیم. (بیانات، ۱۳۶۳/۰۶/۱۱)

رهبر معظم انقلاب نیز به‌عنوان مبین مکتب امام خمینی، ضمن تأکید دوباره بر لزوم آینده‌شناسی انقلاب و نظام اسلامی در دوره رهبری خویش، متفکران ملت را به ترسیم چشم‌انداز آینده دعوت می‌کند. (بیانات ۱۳۸۹/۲/۱۵) ایشان آینده‌شناسی انقلاب را مقتضای خردورزی و لازمه مقابله با رویکرد آینده‌ساز دشمنان انقلاب اسلامی و نیز عامل دفع آسیب‌های آینده به کشور دانسته و به این مهم تأکید می‌کنند. (ر.ک: بیانات، ۱۳۶۸/۴/۲۵)

بنابراین، انگیزه رویکرد به اندیشه رهبری در این موضوع به‌دلیل ویژگی‌های لازم و شرایط فوق‌العاده و جامع و کارکردهای مثبت و مفید رهبری نظام اسلامی در پیدایش، پیروزی، تثبیت و استمرار و پویایی این نهضت است. مقام معظم رهبری از جایگاه و افقی به آینده می‌نگرند که در دسترس دیگر کارگزاران نظام و نظریه‌پردازان نیست و جامعیتی در این نظرگاه موج می‌زند که دیگران از آن بی‌بهره‌اند. ایشان با اشراف کامل به مسائل و احاطه به رویدادها و قدرت تجزیه و تحلیل موضوعات مرتبط با آینده

انقلاب، راهکارها و الزاماتی را برای دستیابی به آینده مطلوب و نیز تضمین سلامت انقلاب اسلامی ترسیم می‌کنند. از این رو، استخراج مؤلفه‌های آینده‌پژوهانه انقلاب اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری هدف مقاله پیش‌روست.

۱. رهیافت نظری

مرسوم‌ترین روش آینده‌پژوهی، روش سنتی «پیش‌بینی» است، ولی پس‌نگری جایگزینی مناسب برای رویکردهای سنتی شمرده می‌شود؛ چراکه در روش پیش‌بینی، آنچه در آینده «می‌تواند» اتفاق بیفتد، بررسی می‌شود. ولی در روش پس‌نگری، به آنچه در آینده «باید» اتفاق بیفتد، پرداخته می‌شود. پس‌نگری روشی است که در آن شرایط مطلوب آینده، ترسیم شده و به جای برداشتن گام‌هایی که تنها تداوم روش‌های کنونی است، گام‌هایی برای دستیابی به آن، تعریف شده است؛ بنابراین، روش پس‌نگری در پی این نیست که در آینده احتمال دارد چه اتفاق‌هایی رخ دهد؛ بلکه در پی نشان دادن پیامدهای اهداف گوناگون سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌هاست. از این رو پس‌نگری به گونه‌ی ویژه‌ای سودمند است و خودبه‌خود زمانی رخ می‌دهد که تحلیل روند و پیش‌بینی‌های بلندمدت حاکی از اهداف مقاصدی هستند که نمی‌توانند با زمان مصرح مطابق باشند و نیاز به راه‌حل‌هایی است که درحقیقت روندها را بشکنند. به‌طورکلی، پس‌نگری چشم‌اندازهای آینده‌هنجاری را به‌منظور تهیه‌ی استراتژی به‌کار می‌برد.

پس‌نگری در دهه‌ی هفتاد میلادی توسط آوری لاینز مطرح شد. وی که عضو هیئت مشاوران «شورای آمریکایی انرژی تجدیدپذیر» است، هنگام بررسی مدل‌های عرضه و تقاضای صنعت برق از این تحلیل به‌عنوان جایگزینی برای روش‌های سنتی برنامه‌ریزی نام برد. پس از او، جان رایبسون، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا در کانادا، مقاله‌ای در ژورنال «سیاست انرژی» در سال ۱۹۸۲ با عنوان «پس‌نگری از آینده به امروز انرژی: روشی پیشنهادی برای تحلیل سیاست» چاپ کرد و ایده‌آموری لاینز را بیشتر توسعه داد.

پس‌نگری با تصور آینده مطلوب آغاز می‌شود و سپس با تعیین گام‌های لازم برای افزایش شانس رسیدن به آن آینده، ادامه می‌یابد. این رویکرد تنها زمانی عملی است که اهداف آینده

به‌روشنی و به‌دور از هرگونه ابهام تعیین شده باشند. در این روش، فرد آینده‌ای مطلوب را متصور می‌شود و سپس برای تعیین مقیاس‌هایی که برای رسیدن به چنین آینده‌ای نیاز دارد می‌کوشد. بنابراین پس‌نگری عبارت است از ملاحظه آینده مطلوب قابل ایجاد، نه آینده‌ای که احتمال وقوع دارد. (دی‌تور، ۱۳۷۶: ۱۰۱-۱۰۳) تاکنون چهارچوب‌های متعددی برای اجرای پس‌نگری ارائه شده است. در این پژوهش، از چهارچوب‌بندی کوئیست (۲۰۰۳) که پس‌نگری را در قالب چهار گام توضیح داده، استفاده خواهد شد.

۱-۱. گام نخست: جهت‌گیری راهبردی به مشکل

این گام شامل تعریف مفروضات هنجاری و هدف‌گذاری است. در این مرحله، قلمرو زمانی، مکانی و جوهری تجزیه و تحلیل، تعداد و نوع سناریوها مشخص می‌شود. پس از آن، به‌منظور تجزیه و تحلیل سناریو و متغیرهای بیرونی اهداف کلی به اهداف کوتاه‌مدت محدودیت‌ها و مقاصد تبدیل می‌شوند. (miola. 2008, p. 5) این گام زمان‌بر است و به‌صرف منابع نیاز دارد. این مرحله مستلزم تشکیل گروه‌های کارشناسی توسط آغازکنندگان فرآیند پس‌نگری است که افزون‌بر مشارکت در فعالیت‌ها به ادغام فرآیند با طرح‌های استراتژیک توسط گروه کارشناسی صورت می‌گیرد. (Heijden & B, Sharpe. 2007, p. 379)

۱-۲. گام دوم: ترسیم چشم‌انداز آینده و بیان ارزش‌ها

در مرحله بعدی پس‌نگری، ترسیم چشم‌اندازی از آینده و ارائه راه‌حل‌هایی برای مشکل، مطالعه می‌شود. (کوئیست، ۲۰۱۳: ۷۵۵) چشم‌انداز آینده یعنی توصیف آنچه مطلوب است و در نتیجه منعکس‌کننده ارزش‌های مشارکت‌کنندگان درگیر در فرآیند است. (Sharpe. Heijden & B, 2007, p. 379) این مرحله اصلی فرآیند پس‌نگری است و مستلزم تجزیه و تحلیل شرایط و بافت آینده در نقاط پایانی مورد نظر و نقاط مبانی، توسعه چشم‌اندازها یا سناریوهای آینده تجزیه و تحلیل سازگاری درونی سناریوست. (مایلا، ۲۰۰۸: ۵)

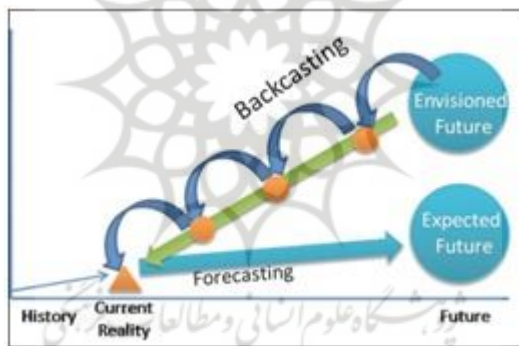
۱-۳. گام سوم: پس‌نگری مسیرها: تجزیه و تحلیل نگاه روبه عقب

پس از تعریف چشم‌انداز، مسیرهای برگشت از چشم‌انداز آینده شناسایی می‌شوند. مسیرها

به روش‌ها و راه‌های بهبود حالت کنونی سیستم به آینده مطلوب اشاره دارد. این مرحله هم مستلزم طراحی و هم مستلزم تجزیه و تحلیل است در این گام تجزیه و تحلیل اثرات با استفاده از ادغام نتایج سناریو، تجزیه و تحلیل اثرات اجتماعی اقتصادی محیطی، تجزیه و تحلیل سازگاری بین اهداف و نتایج انجام می‌شود. (کوئیست، ۲۰۱۳، ۷۵۵)

۴-۱. گام چهارم: شناسایی مداخلات برای پیاده‌سازی و تعریف دستور کار

در این مرحله، چهارچوبی برای شناسایی مداخلات یا اقدامات ضروری برای پیاده‌سازی یا بسیار ساده‌تر برای آغاز مسیرهایی که به آینده مطلوب منجر می‌شوند، ارائه می‌شود. مسائل مهم شناسایی شده در مرحله گذشته انواع اقدامات سیاسی و تغییرات رفتاری را که مسیره‌ها بر مبنای آن شکل گرفته‌اند مشخص می‌کنند. در نتیجه گام‌های سوم و چهارم به شدت به یکدیگر مرتبط هستند. مداخلات اغلب به‌عنوان بخشی از گام پس‌نگری مسیره‌ها مطرح می‌شوند. (Heijden & B, Sharpe. 2007: 379)



۲. آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی

در این پژوهش، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی براساس مراحل پنج‌گانه تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری با رهیافت پس‌نگری بررسی می‌شود. از منظر مقام معظم رهبری، دستیابی به تمدن نوین اسلامی آینده مطلوب انقلاب اسلامی شمرده می‌شود. ایشان برای رسیدن به این جایگاه مراحل پنج‌گانه را تدوین کرده‌اند؛ که عبارت‌اند از «انقلاب اسلامی»، «تشکیل نظام اسلامی»، «تشکیل دولت اسلامی»، «تشکیل جامعه اسلامی» و در نهایت «رسیدن به تمدن اسلامی». در این پژوهش، جایگاه موجود با توجه به این زنجیره

تمدنی و روش‌های رسیدن به جایگاه مطلوب و تحقق تمدن اسلامی براساس گام‌بندی رهیافت پس‌نگری کوئیست بررسی می‌شود. براین اساس گام‌های تحقق تمدن اسلامی عبارت‌اند از:

۱-۲. گام اول: تحلیل و بررسی وضعیت موجود

براساس چهارچوب مراحل پنج‌گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی ارائه‌شده توسط مقام معظم رهبری، اکنون که چهار دهه از وقوع انقلاب اسلامی می‌گذرد، انقلاب اسلامی در سومین مرحله خود به سر می‌برد. براساس این مراحل پنج‌گانه، نخستین مرحله تحقق تمدن نوین اسلامی، انقلاب اسلامی است که به رهبری امام خمینی و مردم در سال نخست، به پیروزی رسید و «نخستین گام» برای تحقق تمدن نوین اسلامی برداشته شد:

برای اینکه این کار تحقق پیدا کند، در درجه اول ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای اینکه بنای ضایع و پوسیده و کج و بدبنیان رژیم‌های استبدادی را از بین ببریم. این کار را ملت با کمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد. (بیانات، ۱۳۸۴/۵/۲۸)

مقام معظم رهبری، پیروزی انقلاب اسلامی را نخستین و مهم‌ترین مرحله تمدن نوین اسلامی می‌دانند «من با اطمینان کامل می‌گویم این هنوز آغاز کار است و تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است». ^۱ (بیانات، ۱۳۸۷/۹/۱۳) نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر در نخستین و مهم‌ترین مرحله پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود که ایران با به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سر برآوردن این پدیده معجزه‌آسا درست در اوج هیاهوی مادیگری و اسلام‌ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی و آنگاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربه‌های سیاسی و نظام و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه‌سو نواخته می‌شد، در دنیای اسلام امیدی تازه برانگیخت و شوری در دل‌ها پدید آمد. (ر. ک: هژبری، خرمشاد: ۱۳۹۴: ۱۲۸)

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ». (نور: ۵۵)

انقلاب اسلامی ایران انقلابی مردمی و الهام‌بخش بر پایه مکتب اسلامی است که با برنامه‌ای جامع، از اصلاح نفسانیات فردی آغاز شده و در بُعد اجتماعی گسترده می‌شود و تداومی ناگسستنی و پیوسته دارد. چراکه این انقلاب توانست قوی‌ترین متحد غرب در قلب جهان اسلام که عنوان ژاندارم امنیتی غرب و جزیره ثبات آمریکا را داشت، سرنگون سازد و به‌جای نظام سلطنتی حمایت‌شده از سوی غرب، مردمی‌ترین نظام سیاسی دنیا را بر پایه آموزه‌های دینی ایجاد کند و با طرد تمدن شرق و غرب زمینه‌ساز تکوین تمدن نوین اسلامی شود؛ بنابراین با وقوع انقلاب اسلامی نخستین مرحله از زنجیره تمدن‌سازی نوین اسلامی پیموده شد.

انقلاب اسلامی ایران با وجود پدید آمدن در آغاز سده پانزدهم حیات اسلام، بر پایه چنین خصلتی دارای فرهنگی و تمدنی است. در واقع انقلاب اسلامی ایران چون حدویش تمدنی بوده است، چاره‌ای جز این ندارد که بقای تمدنی نیز داشته باشد. (ر.ک: خرمشاد، آدمی، ۱۳۸۸)

مرحله بعد در تحقق تمدن نوین اسلامی تشکیل نظام اسلامی است که با توانمندی و رهبری امام خمینی با تشکیل نظام اسلامی برداشته شد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: بعد از آنکه این حرکت عظیم را ملت عزیز ما انجام داد، حرکت بعدی این بود که یک نظام اسلامی یعنی ترتیب اداره کشور همان‌طوری که اسلام گفته است، در این کشور به‌وجود بیاورید. این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد. قانون اساسی تنظیم شد؛ آرایش و چینش سیاسی به‌وجود آمد؛ مردم‌سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم مسئولان کشور را - از رهبری گرفته تا ریاست‌جمهوری تا دیگر مسئولان - مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می‌کنند. دین مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. حرکت مردم به سمت اهداف و آرمان‌های دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است؛ این تحقق پیدا کرد؛ لیکن کافی نیست. (بیانات،

۲-۲. گام دوم: ترسیم آینده مطلوب انقلاب اسلامی

دومین گام برای آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی ترسیم آینده مطلوب انقلاب اسلامی است. هر انقلابی به منظور رسیدن به اهداف و مقاصدی آغاز می‌شود. این اهداف در بیان رهبران انقلاب و در شعارها و بیانیه‌ها متبلور می‌شود، اهداف همه انقلاب‌ها یکسان و در یک رتبه نیستند؛ بعضی اهداف متوسط و مقدماتی هستند و برخی اهداف اصلی و نهایی‌اند. مهم‌ترین منبع برای شناخت اهداف انقلاب اسلامی ایران، بیانات و اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای است.

با بررسی اهداف انقلاب اسلامی از منظر رهبران انقلاب اسلامی، رسیدن به تمدن نوین اسلامی به‌عنوان آینده مطلوب انقلاب اسلامی عنوان شده است. امام خمینی بارها در آثار مکتوب، سخنرانی‌ها و پیام‌هایشان درباره تمدن اسلامی اظهار نظر کرده است. مقام معظم رهبری نیز در تکامل ایده ایشان اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» را مطرح کرده است. (ر. ک: بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

از بررسی کلمات امام استنباط می‌شود که مقصود ایشان از تمدن، پیشرفت و ترقی است که تعالی مادی و معنوی انسان را در پی داشته باشد. (ر. ک: موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۱۶۰/۴؛ ۳۶۷/۷؛ ۴۰۶/۲۱) همچنین منظور امام از تمدن اسلامی، پیشرفتی است که مبتنی بر معیارها و شاخص‌های اسلامی باشد. (ر. ک: همان: ۳۸۲/۱؛ ۱۶۷/۵) حضرت امام تمدن اسلامی را مقدم بر دیگر تمدن‌ها می‌شمارد. از نظر ایشان اسلام موفق شد با آموزه‌های خاص خود تمدنی نوین را در جهان بنیان گذارد. (همان: ۲۱۶/۱۸)

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به هدف‌های مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن آفریده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز انسان دارای قدرت، اراده، ابتکار و سازندگی جهان طبیعت است. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (بیانات، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲)

درحقیقت، از نظرگاه فلسفه تاریخی، انقلاب اسلامی مأموریت تاریخی خود را تأسیس

این تمدن نوین می‌داند. این تمدن نوین اسلامی است که زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت‌بن‌الحسن علیه‌السلام خواهد بود.

بی‌شک تمدن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدن‌های بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را (بزرگ یا کوچک) تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرایند پیچیده و طولانی و پُرکار را بپیماید و به آن نقطه برسد. البته تمدن اسلامی به‌صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به‌وجود خواهد آمد. (بیانات، ۱۳۹۱/۸/۲۲)

مقام معظم رهبری تشکیل تمدن اسلامی را هدف نهایی انقلاب می‌داند و فرایندی پنج‌مرحله‌ای را ترسیم می‌کند. از نظر ایشان، هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن اسلامی در زنجیره‌ای منطقی و مستمر است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده؛ این زنجیره از حلقه انقلاب اسلامی آغاز شده و پس از شکل‌گیری نظام اسلامی وارد مرحله دولت اسلامی می‌شود و پس از آن، جامعه اسلامی اسوه تحقق می‌یابد و فصلی نو در حیات بشر رقم می‌خورد.

با نگاه تاریخی به تمدن اسلامی، روشن می‌شود که با آغاز بعثت پیامبر گرامی اسلام، بنیان‌های تمدن جدید در جهان بنا نهاده شد که امروزه آن را با عنوان تمدن اسلامی می‌شناسیم. در همین زمینه است که رهبر معظم انقلاب نیز با تمسک به روش پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌عنوان الگوی حسنه امت اسلامی، تمدن نوین اسلامی را ایده و طرح برتر معرفی می‌کند که توانایی جلب توجه و جذب ملت‌های مسلمان را به‌سوی خود و درنهایت تأثیرگذاری نرم برای ایجاد اتحاد و حرکت جوامع اسلامی برای ساخت قدرت بزرگ جهان را دارد. (ر.ک: بیانات، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

۳-۲. گام سوم: پس‌نگری از طریق تبیین مؤلفه‌های منتهی به آینده مطلوب

همان‌طور که در رهیافت نظری تبیین شد، بعد از تعریف چشم‌انداز، مسیرهای برگشت از

چشم انداز آینده شناسایی می شوند. مسیرها به روش ها و راه های بهبود حالت کنونی سیستم به آینده مطلوب اشاره دارد؛ بنابراین، در این گام ضروری است گام های رسیدن به آینده مطلوب انقلاب اسلامی، یعنی تمدن نوین اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و مسیرها و روش ها مشخص شود. باتوجه به بیان ویژگی های تمدن نوین اسلامی، طی این مراحل برای دستیابی به آینده مطلوب ضروری است.



پس نگرى باتوجه به وضعیت موجود و تحقق جایگاه مطلوب

سومین گام در روش پس نگرى، نگاه از آینده به وضعیت موجود و تعیین هنجارها و روش ها برای تحقق وضعیت مطلوب است. براین اساس، برای رسیدن به اهداف مطلوب انقلاب اسلامی، باید از نقطه مطلوب تشکیل تمدن اسلامی، پس نگرى به وضعیت موجود، که مرحله دوم و تشکیل نظام اسلامی است، انجام پذیرد. حاصل این پس نگرى، ضرورت طی کردن دو مرحله مهم تشکیل دولت اسلامی و پس از آن تشکیل کشور اسلامی دیده می شود. برای تحقق این دو گام در شکل گیری تمدن نوین اسلامی، باید دولت و کشور اسلامی بررسی و تبیین قرار شود. اگر انقلاب و نظامی نتواند پس از تحقق چهارچوب های خود، دولتی اسلامی و الگوها و ادبیات اداره متناسب با آرمان ها و مبانی خود تأسیس کند، در درازمدت، از آن نظام جز پرچم و سرود ملی چیزی بر جای نخواهد ماند.

۱-۳-۲. شاخصه های دولت اسلامی

همچنان که رهبر انقلاب نیز تأکید دارند، انقلاب اسلامی در مرحله سوم حیات خویش به سر می برد و در حال گذار از دولت پیشااسلامی به دولت اسلامی است. اکنون باتوجه به این دیدگاه رهبر انقلاب، که نظام اسلامی هنوز در مرحله گذار به دولت اسلامی قرار دارد، و همچنین اهمیت بررسی این مسئله ضروری به نظر می رسد تا به شیوه پس نگرى، به

معیارها و مؤلفه‌هایی که دولت در جامعه اسلامی، که متفاوت از جامعه غیراسلامی است، باید داشته باشد و برای تحقق آنها حرکت کند، پرداخته شود.

پیش از ورود به مبحث معیارهای دولت اسلامی، باید یادآور شد که دولت اسلامی در اصل گفتمان خود، در اصول و آموزه‌های دینی ریشه دارد و به مفهوم حاکمیت ارزش‌ها، اصول، مبانی، احکام، قوانین و همچنین مقررات اسلام در جامعه تأکید دارد. در واقع «دولت اسلامی یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی». (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴) ضمن اینکه این گفتمان در برابر دولت غیراسلامی اعم از لیبرال، کمونیستی، فاشیستی و... قرار دارد و تشکیل آن نیز از صدر اسلام تاکنون همواره یکی از دغدغه‌های مهم علما، اندیشمندان و نخبگان اسلامی بوده است که سرانجام پس از قرن‌ها و برای نخستین بار در انقلاب اسلامی ایران و به همت امام راحل علیه السلام به وقوع پیوست.

با تأمل در رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای درباره فرایند حرکت جمهوری اسلامی ایران به سوی تمدن نوین اسلامی، روشن می‌شود شاخصه‌های دولت اسلامی را باید هم در رفتار کارگزاران و دولت‌مردان و هم در کارکردهای نظام اسلامی جست‌وجو کرد.

دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومت‌گران و خدمت‌گزاران عمومی. اینها باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مد نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی. (بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

براین اساس، در ادامه، به مهم‌ترین مؤلفه‌های دولت اسلامی در نگاه رهبر انقلاب اشاره می‌شود.

یک. جهت‌گیری دینی و ارزش‌گرایی انقلابی (شاخصه اخلاقی و ایمانی دولت)

باتوجه به اینکه اصول و مبانی و پایه‌های بنیادین نظام مقدس اسلامی را دین و آموزه‌های دینی و انقلابی تشکیل می‌دهد، داشتن جهت‌گیری‌های دینی و انقلابی به گونه‌ای که موجب

احیای حاکمیت اسلام در جامعه اسلامی شود به عنوان ویژگی اولیه‌ای که دولت در جامعه اسلامی باید از آن برخوردار باشد، در نظر گرفته می‌شود. جهت‌گیری دینی مستلزم کسب معرفت‌های اخلاقی و رفتاری از سوی مسئولان نظام است. بنابراین، ایشان نخست به کارگزاران نظام توصیه می‌کنند که:

هرکدام از شما تلاش کنید که برای این مسئولیت‌ها خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید. یعنی دینتان، تقوایتان، رعایتتان نسبت به حال مردم، رعایتتان نسبت به شرع، رعایتتان نسبت به بیت‌المال، اجتنابتان از خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها و رفیق‌بازی‌ها و قوم‌و خویش‌پرستی‌ها و اجتنابتان از تبلی و بیکارگی و بی‌عملی و هوی و هوس و این چیزها مطابق با الگوی اسلام باشد،... ضوابط در دست همه ما هست امروز همه‌مان وظیفه داریم. (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

دو. خدمت به مردم

مقوله خدمت به مردم یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های شکل‌گیری دولت اسلامی است. (ر.ک: بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶) مقوله خدمت به مردم دو ویژگی مهم دارد: کار و مدیریت جهادی و اغتنام فرصت‌ها. مدیریت جهادی به مدیریتی گفته می‌شود که از سویی با علم و دانش روز بشری سروکار دارد و از سوی دیگر با مفهوم جهادی به معنای انقلابی و ارزشی آن، ارتباطی تنگاتنگ دارد. این نوع مدیریت می‌تواند به عنوان منطقی‌ترین و کارآمدترین الگوی مدیریتی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب و نظام اسلامی مورد توجه و تأکید قرار گیرد. با توجه به تحلیل بیانات مقام معظم رهبری، می‌توان گفت مدیریت جهادی مدیریتی است با عشق و ایمان به خدا، خستگی‌ناپذیری، با گام‌هایی بلند و دارای شتاب مدبرانه که با بصیرت و دشمن‌شناسی خود از موانع پیش‌روی یکی پس از دیگری می‌گذرد و به سوی ایجاد تمدن اسلامی به پیش می‌رود. (ر.ک: بیانات، ۱۳۹۳/۱/۱؛ ۱۳۹۰/۱۲/۲۰؛ ۱۳۹۰/۱/۱)

سه. حرکت در مسیر تحقق عدالت و پیشرفت اسلامی

یکی از مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی عدالت است. اصل عدالت همواره مورد تأکید رهبران انقلاب اسلامی بوده است.

ما که می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم حکومت عدالت، ما می‌گوییم یک حاکمی باید باشد که به بیت‌المال مسلمین خیانت نکند، دستش را دراز نکند بیت‌المال مسلمین را بردارد، ما این یک مطلب را می‌گوییم. این یک مطلب مطبوعی است که در هر جامعه بشری که گفته بشود، برای هر کس گفته بشود، از ما می‌پذیرند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۵۰۹/۳)

همچنین یکی از موضوعاتی که مقام معظم رهبری به‌طور جدی بر آن تأکید داشته‌اند، مسئله عدالت در ابعاد گوناگون آن بوده است. تأمین عدالت اجتماعی، رعایت طبقات ضعیف مردم، تلاش برای برآورده کردن نیازهای ملت به‌ویژه قشرهای مستضعف، تلاش برای ریشه‌کنی فقر و بی‌عدالتی، مبارزه با فساد و به‌کارگیری عزم و همت همگان به‌سوی گسترش عدالت از مطالبات ایشان از رؤسای دولت‌ها در دوره‌های گوناگون بوده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تولید الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را لازمه تحقق «تمدن اسلامی» خوانده‌اند و در پاسخ به این پرسش که چرا الگوهای موجود و آزموده شده در دنیا نمی‌توانند الگوی مطلوبی برای ما باشند؟ فرموده‌اند «الگوهای رایج توسعه از لحاظ مبانی، غلط و بر پایه اومانیسیم و اصول غیرالهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته‌اند وعده‌هایی را که در خصوص ارزش‌هایی نظیر آزادی و عدالت داده بودند، محقق کنند». ایشان وضعیت نامناسب برخی کشورهای دنبال‌کننده این الگوها در شاخص‌هایی مانند بدهی‌های کلان مالی دولت‌ها، بیکاری، فقر و اختلاف طبقاتی شدید را نشانه‌هایی از ناکارآمدی الگوهای رایج خواندند و افزودند: «این جوامع اگرچه پیشرفت‌هایی نیز داشته‌اند، ولی پیشرفت‌ها تا اعماق آن جوامع نفوذ نکرده و به اخلاق، عدالت، معنویت و امنیت منتهی نشده است». (بیانات، ۱۳۹۵/۲/۶) بنابراین، ما باید الگوی پیشرفت بومی خود را متکی بر مبانی اسلامی و فرهنگ ایرانی، تعریف و ارائه کنیم. (بیانات، ۱۳۹۵/۲/۶)

چهار. سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد

براساس نظریه‌های علمی اقتصاد، تولید ملی و بهره‌مندی از رقابت سالم مستلزم سلامت نظام اقتصادی و اصلاح ساختارهای انگیزشی تولید است. فضای اقتصادی باید به‌گونه‌ای

باشد تا فعالیت و کسب‌وکار تولیدی به مراتب کم‌هزینه‌تر، سالم‌تر و ترغیب‌کننده‌تر از واردات و وابستگی به اقتصادهای دیگر باشد تا ساختار انگیزشی فعالان اقتصادی به سمت تولید داخلی برود. از این رو تا زمانی که نظام اقتصادی از شفافیت، سلامت و عدالت قابل قبول برخوردار نباشد، نمی‌توان انتظار تقویت تولید داخل را نیز داشت. از منظر سالم‌سازی اقتصاد، معیار درست اصلاح ساختار انگیزشی تولید و فعالیت اقتصادی از طریق افزایش درجه سلامت است. ذیل افزایش سلامت نظام اقتصادی، افزایش هزینه فعالیت‌های رانت‌جویانه، مجرمانه و متقلبانه در نظام اقتصادی قرار می‌گیرد. در نظام اقتصادی سالم، روابط اقتصادی باید به صورت شفاف و منطقی تعریف و اجرا شوند، نااطمینانی‌ها به‌طور کامل به ریسک تبدیل و روابط و سیاست‌های باثبات اقتصادی وضع و اجرا شوند.

باز کردن میدان برای فعالان سالم اقتصادی و جوانان مبتکر و پرتلاش و برطرف کردن موانع و بهبود فضای کسب و کار» و همچنین «بستن منافذ فساد و برخورد با مفسد» دو رکن مهم مدیریت اقتصادی کشور است. (بیانات، ۱۳۹۷/۶/۷)

پنج. قانون‌گرایی

توجه و تمرکز بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خودباوری، استکبارستیزی و مبارزه با قدرت‌های سلطه‌طلب، (بیانات، ۱۳۸۹/۴/۲) حفظ عزت، هویت و استقلال ملی، (بیانات، ۱۳۹۷/۳/۷) اهتمام ویژه به مقوله فرهنگ، (بیانات، ۱۳۹۲/۹/۱۹) فراجناحی بودن دولت و عبور آن از جناح‌بندی‌های سیاسی، (بیانات، ۱۳۹۳/۶/۵) توجه به علم و دانش به‌ویژه اقتصاد دانش‌بنیان ساده‌زیستی و خودداری از تجمل‌گرایی (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۲) از دیگر مؤلفه‌های دولت اسلامی است که در بیانات رهبری مورد استفاده قرار گرفته است.

در جمع‌بندی مؤلفه‌های دولت اسلامی می‌توان گفت:

دولت اسلامی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد،

ویژه خواری نباشد، کم کاری نباشد، بی اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی گری نباشد، حیفاومیل بیت المال نباشد و دیگر چیزهایی که در دولت اسلامی لازم است. (بیانات، ۱۳۸۴/۵/۲۸)

۲-۳-۲. مشخصه‌های کشور اسلامی

مقام معظم رهبری ویژگی‌های تشکیلات مُتَّصِف به ارزش‌های اسلامی را این گونه توصیف می‌کنند:

کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت بخش به انسان‌ها و اسلام هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند. (بیانات، ۱۳۸۴/۵/۲۸)

تلاش دولت اسلامی در مسیر تکامل و اعتلای حقایق و اصالت‌های بشری برای عبور از مرحله دولت اسلامی به مرحله کشور اسلامی ضروری است:

عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است؛ حیفاومیل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ اینکه تغییرپذیر نیست. اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و قدم‌هایی را که تا امروز بحمدالله برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتم، به وجود خواهد آمد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد. (بیانات، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸)

در بیان رهبری، جامعه منزه از کج‌اندیشی، تحجر، انحراف و بدون التقاط همان جامعه‌ای است که به عنوان جامعه اسلامی شناخته می‌شود. مهم‌ترین معیارهای آن عبارت‌اند از: شجاعت بخش به انسان‌ها، هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش، جامعه‌ای آرمانی با اهداف اسلامی، محقق‌کننده آرزوهای بزرگ اسلامی برای بشر، جامع

عادل و برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، جامعه‌ای عزتمند و دارای استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و به دور از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه، پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی دارای کرامت انسانی و آزادی اسلامی و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی همیشگی. (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴)

۲-۴. گام چهارم: هنجارهای لازم برای رسیدن به آینده مطلوب

براساس رهیافت پس‌نگری کوئیست، آخرین گام، تبیین و بررسی مسیرهای آغازینی است که به آینده (نقطه مطلوب) می‌انجامد. مراحل پنج‌گانه ارائه‌شده از سوی مقام معظم رهبری و ضرورت تحقق تمدن نوین اسلامی و نگاه پس‌گرایی به وضعیت موجود نشان از ضرورت بررسی و تعیین روش‌ها و مسیرهای شکل‌گیری دو گام مهم یعنی تحقق دولت اسلامی و کشور اسلامی دارد تا زنجیره شکل‌گیری تمدن اسلامی کامل شود:

۱-۲-۴. روش‌های شکل‌گیری دولت اسلامی

پس از گذشت چهار دهه از وقوع انقلاب اسلامی، انقلاب در مرحله سوم خود به سر می‌برد دلیل اصلی به تعویق افتادن تحقق کامل دولت اسلامی، دوری از آرمان‌های اسلامی ازسویی و شکاف میان حاکمیت و جامعه ازسوی دیگر است؛ با فقدان روحیه و انگیزه اسلامی، فساد اداری و سیاسی و اقتصادی و اشرافیت در بدنه دولت و حکومت ریشه دوانده و جامعه هم به سمت مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق پیدا کرده است و باتوجه به شکاف میان دولت و جامعه، اعتماد مردم به نظام برای همیاری برای دولت‌سازی اسلامی کاهش پیدا کرده است؛ هرچند که مردم هنوز به اصل نظام و انقلاب باور دارند. براین اساس، باتوجه به گفتمان انقلاب اسلامی و بیانات رهبری، شیوه‌هایی برای شکل‌گیری دولت اسلامی پیشنهاد می‌شود:

یک. توسعه گفتمان انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی مرهون بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام بود که با آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها توانستند رژیم منحط پهلوی را از حکومت سرنگون

کرده و بیداری اسلامی و زندگی همراه با آگاهی را جایگزین استعمار و استثمار کنند. دانشی که آگاهی ایجاد کند و در نهایت به عبرت‌آموزی و انتخاب راه درست و شناختن حق از باطل منتهی شود، می‌تواند در زندگی تک‌تک افراد جامعه تحولی عظیم به وجود آورد. برای دستیابی به دولت اسلامی، ضرورت توسعه گفتمان انقلاب اسلامی و افزایش آگاهی به آن با تحول در آموزش و پرورش امکان‌پذیر است. (ر.ک: بیانات، ۱۳۹۲/۲/۱۰) آموزش‌ها باید به سطحی از آگاهی در جامعه بینجامد که شناخت جامعی از مؤلفه‌های اصلی گفتمان انقلاب اسلامی، نظام معنایی و تفاوت آن با گفتمان‌هایی مانند لیبرالیسم صورت پذیرد.

اصلی‌ترین هدف علم‌آموزی و انتقال دانش در زمینه گفتمان انقلاب اسلامی، اثرگذاری بر فعالیت‌های فرد و تغییر نوع نگاه انسان‌ها به زندگی است؛ بنابراین، هدف آموزش، تأثیرگذاری بر عملکرد فکری افراد است. در ترویج می‌توان سبک زندگی ایرانی - اسلامی را که با دانش آگاهی و خردورزی گره خورده است، با آموزه‌های دینی به مردم انتقال داد.

دو. واژه‌سازی و نهادسازی

باتوجه به اینکه گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان لیبرالیسم و کمونیسم تفاوت‌های بنیادین دارد و همچنین نظر به اینکه به این گفتمان، میراث منفی تمدن پادشاهی پهلوی رسیده، از پیشینه مطلوبی در این باره برخوردار نیست. بنابراین، باید در این گفتمان در مرحله نخست، واژه‌سازی و در مرحله دوم نهادسازی مطابق با گفتمان انقلاب اسلامی صورت گیرد. این اصل مورد تأکید رهبر انقلاب قرار دارد.

انقلاب اسلامی توانسته است متکی بر غنای فکری و اندیشه‌ای خود و براساس نظام ارزشی خاص خود به زایش مفهومی بپردازد. (ر.ک: بیانات، ۱۳۹۲/۲/۲۴) به نحوی که در یک بستر زبانی به خلق و توسعه سپهر واژگانی مختص به خود منتهی شود. انقلاب اسلامی توانسته است در مرحله بعد، گفتمان ویژه خود را حول این سپهر واژگانی سامان دهد و در نهایت برای نهادینه‌سازی آن نظام ارزشی مبنای اقدام به نهادسازی‌های متناسب با آن نظام ارزشی، مفهومی و واژگانی گفته‌شده بپردازد. در این میان، نقش ولی فقیه محوری و اساسی

شمرده می‌شود و به‌ویژه اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای از غنای بسیاری برخوردار است. در ادامه به شرح و بسط این مدل خواهیم پرداخت.

بازشناخت این راهبرد و بررسی قابلیت تطبیق این راهبرد در انقلاب‌های دیگر و لوازم این الگوبرداری می‌تواند کمک شایانی به پیشبرد این انقلاب‌ها به‌سوی تشکیل امت واحد اسلامی باشد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از مشکلات پیش‌روی انقلاب اسلامی نیز درگیری گفتمانی بین قائلان به مفاهیم و واژگان غربی با گفتمان انقلاب اسلامی بوده است. یکی از مشکلات ما در طول این مهروموم‌ها این بوده که افرادی آمده‌اند مفاهیم اسلامی را با مفاهیم غربی ترجمه کرده‌اند، حرف‌های غربی‌ها را تکرار کرده‌اند، دنبال تحقق آنها بودند؛ در حالی که انقلاب اسلامی برای این نیست. (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۲)

برای نمونه، درباره مفاهیمی چون آزادی، استقلال، عدالت و پیشرفت، واژه‌سازی براساس گفتمان انقلاب اسلامی صورت گرفته ولی باید بررسی کرد که آیا برای همه مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی واژه‌سازی صورت گرفته و اینکه چه میزان از جامعه معنای متناسب با گفتمان انقلاب را از آن استنتاج می‌کند. آیا تفاوت توسعه و عدالت را درک می‌کند؟ از این‌رو برای تحقق دولت اسلامی و تبیین گفتمان انقلاب اسلامی ضروری است نخست واژه‌سازی متناسب با آن انجام پذیرد و سپس این واژه‌ها در سطح جامعه مورد بازشناخت گسترده قرار گیرد تا با آگاهی دادن سطوح گوناگون جامعه زمینه تحقق دولت متناسب با آن فراهم شود.



درباره اصل نهادسازی، در نظام معنایی انقلاب اسلامی، نهادها با ساختارها و برخی

دستگاه‌های ارزشی که به‌واسطه انقلاب اسلامی تأسیس شده‌اند، مترادف‌اند؛ یعنی مشخصه‌ای که از شنیدن نام این نهادها به ذهن‌خطور می‌کند انقلابی‌بودن و تولد و رشد آنها در دامن انقلاب اسلامی است. دومین ویژگی این ساختارها را متناظر بودنشان با نظام فکری و ارزشی خاص انقلاب اسلامی باید دانست؛ یعنی پیش از آنکه این ساختارها به‌واسطه مأموریت‌هایشان از دیگران تشخیص داده شوند، با ارزش‌های اساسی که بدان پایبندند شناخته می‌شوند؛ مانند بسیج مستضعفین، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی و جهاد دانشگاهی.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هر کدام از نهادهای یادشده به‌طور مستقیم و توسط نام‌هایشان اعلام می‌دارند که براساس کدام ارزش انقلابی تأسیس شده‌اند و شاید این ویژگی نهادهای انقلابی یکی از رمزهای سرزندگی و موفقیت نسبی آنها در برآورده کردن نیازهای متنوع انقلاب اسلامی باشد. این خصیصه‌ای است که دستگاه‌های دیگر دارای آن نیستند. برای نمونه، نام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هیچ بار ارزشی خاصی ندارد. درحقیقت می‌توان این نام‌گذاری را در نسبت با ارزش‌های انقلاب اسلامی به‌طور کامل سکولار دانست و این نام‌گذاری تنها حوزه مأموریت سازمان مربوط را روشن می‌کند؛ بنابراین نیاز است با توجه به مؤلفه‌های ارزشی گفتمان انقلاب اسلامی نهادسازی صورت گیرد تا این نهادها با رویکرد ارزشی خود زمینه تشکیل دولت اسلامی را فراهم کنند.

سه. تربیت مدیران تراز انقلاب اسلامی

در تربیت مدیران تراز انقلاب اسلامی و همچنین استانداردسازی شرایط و پیش‌نیازهای لازم برای تصدی پست‌های مدیریتی در نظام اسلامی، حرکت قابل توجهی صورت نگرفته است. متأسفانه جمهوری اسلامی هنوز حتی سامانه و نظام ارزیابی عملکرد قوی و کارآمدی درباره مدیران ندارد؛ سامانه‌ای که با تشکیل نظام رصد و تحلیل عملکرد تک‌تک مدیران، در چرخه زمانی، مدیران نالایق و ضعیف را از چرخه حذف و مدیران مستعد و قوی را تقویت کند؛ کوشش نظام‌مند و سازمان‌یافته برای تربیت مدیران که جای خود دارد. (ر.ک: رفیعی و

بانکی‌پورفرد، ۱۳۹۴)

چهار. نهادینه‌سازی فرهنگ شفافیت، سلامت و عدالت

باتوجه به اهمیت سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد و نقش آن در میزان حمایت مردم از گفتمان انقلاب اسلامی، باید این مفاهیم نهادینه‌سازی شود. آموزش و فرهنگ‌سازی به نوعی نخستین روش پیشگیری از فساد شمرده می‌شود. تا زمانی که فرهنگ شفافیت و سالم زیستن در جامعه نهادینه نشود، نمی‌توان به نقطه مطلوبی از پیشگیری از مفاسد رسید. براساس مدل چهار سطح تحلیل اجتماعی ویلیامسون، فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی به اقدام در سطح یک تحلیل اجتماعی نیازمند است؛ یعنی در درجه نخست، باید ارزش‌ها و ترجیحات حاکم بر جامعه به سمتی برود که آحاد جامعه شفافیت را بپذیرند. جامعه باید به نقطه‌ای برسد که عموم مردم روابط و فعالیت‌های سالم را بر اقدامات متقلبانه ترجیح دهند. آموزش، فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن ارزش در جامعه دارای ابزار و تکنیک‌های خاص خود است و تنها براساس خواست سیاست‌گذار امکان‌پذیر نمی‌شود.

پنج. بهبود عملکرد دستگاه‌های نظارتی و نظام‌مند کردن رویه‌های کنترل

پس از نهادینه‌سازی فرهنگ شفافیت و سالم زیستن، مبحث نظارت یکی از کلیدی‌ترین راهکارهای پیشگیری و مبارزه با فساد است. «به اعتقاد من، مرکزی که باید مبارزه با مفاسد اقتصادی را دنبال کند، دولت است و قوه قضاییه در مرحله آخر قرار می‌گیرد». (بیانات، ۱۳۸۲/۶/۵) با بررسی وضعیت سلامت، شفافیت و مفاسد رخ داده در کشور، روشن می‌شود که دستگاه‌های نظارتی به تقویت و حمایت نیاز دارند. این تقویت شامل ارتقای نظام نظارتی، بهره‌برداری از فناوری‌های نوین، تمرکز بر نظارت‌های پیش‌بینی، قاعده‌مند کردن معیارهای ارزیابی و رفع اتحادهای ناظر و منظور است. نوعی رده‌بندی در حوزه نظارت آن را به دو بخش پیشینی و پسینی تقسیم می‌کند. ازسویی شأن نظارتی مجلس ایجاب می‌کند که بر اجرای قوانین وضع شده نظارت کند و ازسوی دیگر، شأن سیاست‌گذاری آن بر لزوم نظارت بر نحوه اجرا تأکید می‌کند. در حوزه تقنینی، مجلس باید با اصلاح قانون مدیریت خدمات کشوری، ارتقای کنترل‌های درونی نظام اداری و تقویت ضمانت‌های اجرایی را دنبال کند. همچنین مجلس با اصلاح آیین‌نامه داخلی خود می‌تواند کارکردهای تحقیق و تفحص، اعلام جرم و تشکیل پرونده قضایی و... را ارتقا دهد.

شش. ارتقای انضباط مالی دولت

بی‌انضباطی‌های مالی و تخصیص‌های نابهینه بستری را برای سوءبرداشت از منابع عمومی و بدبینی مردم ایجاد خواهد کرد. در این باره باید براساس ظرفیت‌های قانونی، ارتقای شفافیت و نبود انحرافات مالی در هزینه‌های منابع عمومی پیگیری شود. در این میان، علاوه بر حجم و وسعت بودجه کل کشور، الزام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و قانون برنامه و بودجه، بر اهمیت و ضرورت نظارت مجلس به‌طور عام و دیوان محاسبات کل کشور به‌طور خاص، بر انضباط مالی دولت و پیگیری از تخصیص نابهینه تأکید دارد. مرکز پژوهش‌ها در این زمینه نیز معتقد است که مجلس باید با اصلاح احکام قانون برنامه و بودجه، دولت را وادار به رعایت استانداردهای حسابرسی و اقتصادی در ارائه لایحه بودجه سنواتی کند.

هفت. ارتقای کارایی نهاد قضایی در پیگیری و مبارزه با فساد

قوه قضائیه دارای کارکردهای نظارتی - قضایی است و نقش بسیار اساسی در پیگیری از وقوع جرائم، مبارزه قاطع با مفاسد، احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین دارد. براساس نظریه‌های جرم‌شناسی، پیگیری از وقوع جرم دارای سه سطح است؛ پیگیری‌های رده نخست که بیشتر ناظر بر پیگیری‌های فرهنگی و اجتماعی است که بر کنترل درونی انگیزه‌ها دلالت دارد، پیگیری‌های رده دوم که پیگیری‌های وضعی و انتظامی و مبتنی بر کنترل بیرونی و نظارت محیطی است و پیگیری‌های رده سوم که مبارزه قاطع با مفسدان و اصلاح باز اجتماعی کردن آنها را دربر می‌گیرد. مجلس شورای اسلامی برای تقویت این خطوط باید قوانینی را تصویب و اصلاح کند. در رده نخست، مجلس باید قانون آیین دادرسی کیفری برای سرعت بخشی به فرآیند رسیدگی به‌ویژه دادگاه تجدیدنظر را اصلاح کند. قانون مهم دیگری که باید در این فرآیند مورد بازبینی قرار گیرد، مواد قانونی و ساختاری روزنامه رسمی کشور برای تسهیل دسترسی و بهره‌مندی از اطلاعات روزنامه رسمی کشور است.

باید توجه داشت به هر میزان که در گفتمان‌سازی دولت اسلامی موفق باشیم، راه برای

نظریه‌پردازی و تربیت نسل انقلابی و کارآمد و متخصص برای تصدی مسئولیت‌های نظام اسلامی فراهم و تولد تمدن نوین اسلامی روزه‌روز نزدیک‌تر خواهد شد.

۲-۴-۲. شکل‌گیری کشور اسلامی

مرحله پایانی حرکت تمدنی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مرحله تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. پس از تشکیل کشور اسلامی، «بعدش دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلام درست کرد؛ الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید». (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۲۱)

اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست - آن وقت مرحله بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید؛ فرآیند تحقق نظام اسلامی، همین‌طور قدم‌به‌قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود. نمی‌شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ ولی دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه. ما باید به خود پردازیم. پس یکی از چیزهایی که ما لازم داریم، استقامت و پایداری است. استقامت، یعنی مسیر و جهت‌گیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از اینکه به ما بگویند خطا کرده‌اید، بدمان نیاید. (بیانات، ۱۳۸۰/۹/۲۱)

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران در منظومه فکری حضرت امام و مقام معظم رهبری، فراتر از انقلابی مقطعی و نسلی ترسیم شده، افقی برای آن ترسیم شده است که برای دستیابی به چشم‌انداز ترسیم شده در رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی بایسته‌هایی در نظر گرفته شده است. در این بایسته‌ها، پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نظام اسلامی نحوه ایجاد دولت اسلامی است؛ به نظر رهبر معظم انقلاب، در گذار از این فرایند، انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، ولی تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال

نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، ولی به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند. (بیانات، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

بازسازی تمدن اسلامی در قالب «تمدن نوین اسلامی» آینده مطلوبی است که در گام دوم انقلاب سیاست‌گذاری‌های نظام را به خود اختصاص داده است. در این پژوهش، کوشش نویسندگان این بوده که با چهارچوب پس‌نگری دورترین افق پیش‌روی انقلاب اسلامی را تبیین کنند. در این فرایند، ضمن تبیین آینده مطلوب انقلاب اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی، به وضعیت موجود پرداختند و پس از آن مؤلفه‌های دستیابی به آینده مطلوب را بیان کردند.

بی‌تردید عامل اساسی و بنیانی در تحقق تمدن نوین اسلامی در آموزه‌های تمدن‌ساز اسلام است که با بهره‌گیری از آنها، شبکه روابط اجتماعی مسلمانان با مقتضیات زمانه بازطراحی خواهد شد و با مؤلفه‌های دیگر همچون توسعه گفتمان انقلاب اسلامی و نهادینه‌سازی فرهنگ نوین اسلامی در بستر جامعه، که برگرفته از هندسه کلان اندیشه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای است، می‌توان به آینده مطلوب دست یافت؛ البته گفتنی است مؤلفه‌هایی که مطرح شده است تنها بر ساختار کلی و رئوس اصلی شکل

کتابنامه

قرآن کریم.

بریر، کلر و پی‌یر بلانشه (۱۹۹۰). میشل فوکو، سیاست، فلسفه، فرهنگ: گزیده مصاحبه‌ها و مقالات ۱۹۷۷-۱۹۸۴، به نقل از ترجمه آلن شریدان، لندن.

بیانات آیت الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/>.

خرمشاد، محمدباقر، و آدمی، علی (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی انقلاب تمدن‌ساز، دانشگاه ایرانی دانشگاه تمدن‌ساز. تحقیقات فرهنگی، ۲(۲)، ۱۶۱-۱۸۸.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۷). صحیفه امام. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

جیمز دی تور. (۱۳۷۸). آینده پژوهی به عنوان دانشی کاربردی. (سید احمد ابراهیمی و عقیل ملکی فر، مترجمان)، رهیافت، ۹(۲۰)، ۱۰۲-۱۰۷.

شاکری زوردهی، روح‌الله و عیسی مولوی وردنجانی (۱۳۹۷). آینده پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۵)، ۹۹-۱۲۰.

رفیعی، محمدتقی، و بانکی پورفرد، امیرحسین (۱۳۹۴). عیار مدیران از منظر رهبر معظم انقلاب، تهران. حدیث راه عشق.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). آینده انقلاب اسلامی. تهران، صدرا.

هژبری، حسین، و خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۴). جایگاه و نقش انقلاب اسلامی در سیر تکوین تمدن نوین اسلامی. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۵(۱۹)، ۱۱۵-۱۵۰.

Miola, A. (2008). *Backcasting Approach for Sustainable Mobility*. *jrc scientific and Technical Reports*, Institute for Environment and Sustainability.

Quist, J. (2013). *Backcasting and Scenarios for Sustainable Technology Development*, Springer. Doi: 10. 1007/978-1-4020-8939-8 52

Sharpe, B, Heijden, K. V. (2007). *Scenarios for success: Turning Insights into Action*. John Wiley & Sons.

Skocpol, Teda. (1982). "Rentier State Shi'a Islam in the Iranian Revolution' Theory and Society, Vol. 111 (May).

Huntington, Samuel. (۱۹۶۸). *Political Order in Changing Societies*, New Haven: Yale University Press.